

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

ارسالی : فیروزه وفا

جمعه ۰۸ اگست ۲۰۲۵

جنايات خلق و پرچم

خاد (خدمات اطلاعات دولتي) نفرت برانگيزترين و مخوف ترين نهاد حكومتي در بين مردم بود. ارگان هاي امنيتي دولت پس از تجاوز روس ها به افغانستان، روي خطوط تشكيلاتي كي. جي. بي بازسازي شد. در واقع ۵۶ درصد اعضاي حزب دموكراتيك خلق و ۲۸ درصد اعضاي سازمان دموكراتيك جوانان با شور و هيجان آموزش عملياتي خود را در اتحاد شوروي و در يك مركز آموزشي در كابل فرا مي گرفتند. (واسيلي متروخين)

خاد بخشي از تشكيلات سازمان استخباراتي شوروي (كي. جي. بي) به شمار مي رفت. كارشناسان كي. جي. بي با حضور فعال شان در اين دستگاه ترور و اختناق، شيوه هاي خبرچيني (جاسوسي) و جمع آوري اطلاعات مربوط به مخالفان رژيم را به اعضاي خاد آموزش مي دادند.

دستگاه خاد به عنوان عامل پيگرد "تعقيب"، شكنجه و كشتار مخالفين به ويژه "بخصوص" مبارزان و آزاديخواهان شناخته مي شد. تكنيك هاي شكنجه گري خاد شامل بيخوابي، گرسنگي، تكان برقي، شلاق زدن، مشت و لگد زدن، استعمال بوتل فانتا، اماله آب جوش در روده ها، كندن موي سر و كشيدن دندان و ناخن دست و پاي و ده ها نوع ديگر شكنجه بود. كي. جي. بي نه تنها تمويل و آموزش كارمندان آن را به عهده داشت، بلكه ابزار هاي شكنجه مخصوص براي كشيدن ناخن را نيز در خدمت آنها گذاشته بود.

خاد در واقع دولت مستقلي بود در درون دولت، كه نه تنها مردم و همه ارگانهاي دولتي و دپلومات هاي خارجي را زير نظر داشت، بلكه كاخ رياست جمهوري و پيوند هاي "ارتباطات" رئيس جمهور را نيز كنترول مي كرد.

نجیب الله با جرأت «بیریا» رئیس پولیس مخفی استالین، حکم اعدام و بازداشت "توقیف" هشتاد هزار انسان بیگناه را بی رحمانه امضاء کرد و بدان افتخار هم می کرد. وی بهترین فرزندان خلق و پیشتازان سرفراز قله آزادی اعدام سپرد.

برای اعمال یک جنایت، نجیب باید مجهز به اندیشه ای بوده باشد که ویژگی "خصوصیت" اصلی آن عدم احترام به حیات انسانها و به طور خاص به حق حیات مخالفان بود. این عدم احترام از شرایط تربیتی و فرهنگی و حتی خصلت های ژنتیک وی برمی آمد که احترام به حق حیات و رعایت حق بقای فزیکدی دیگران را نیاموخته بود و به خود حق می داد تا هر مخالف سیاسی، تباری خود را «دشمن» بنامد و به هر وسیله ای از صحنه حذف کند. با آغاز ستراتیژی حذف، مراحل مختلف آن چون تطمیع، تهدید، اعمال خشونت، ترور شخصیتی و سرانجام حذف فزیکدی را با شتاب زدگی عملی می کرد و رقیب را به عنوان مزاحم منافع سیاسی و ایدیولوژیک خود از بین می برد. نجیب کسی بود که در نوجوانی با روان سادیستی بر دو کلفت (خدمتگار) خانه تجاوز می کند؛ سپس پسر جوانی را به نام ببرک مورد تجاوز جنسی قرار می دهد؛ مینو خواهر کوچکش را در پشاور بر سکوی سنگی می کوبد که بعدها به اثر تورم پرده دماغ جان می سپارد؛ موی بافته مادر خود را با پوست سرش می کند؛ مادر بزرگ پیرش را زیر لت کوب می گیرد؛ بینی بهرام، مامایش را می شکند؛ مهره های کمر صالحه خواهرش را با لگد زدن آسیب می رساند؛ دو برادرش صدیق و روشن را زیر بار اهانت، مشت و لگد به بیماران روانی بدل می سازد؛ پدرش را وادار به رشوه ستانی می کند و در فرجام عضو حزب دموکراتیک خلق می شود و آنگاه با توانایی بر سکوی دانشگاه سخنرانی های داغی می کند. جادوی کلامش شماری را افسون می کند. "فقط یک مشت پرچمی جاسوس را"

در سال ۱۹۷۳ به وسیله شاه محمد دوست و حزب کمونیست هندوستان عضویت کی.جی.بی را می گیرد و با نام مستعار «پوتوموک» در آرشیف کی.جی.بی درج می شود. پس از کودتای هفت ثور، مبلغ ۲۱ میلیون ریال را از سفارت افغانستان در تهران می دزدد و هوتلی را به نام هلنا بایو در یوگوسلاوی می خرد. در ششم جدی از سوی اندره پوف به ریاست دستگاه جهنمی خاد برگزیده می شود و در نخستین روزهای ماه جدی ریاست جمهوری آینده هم برایش وعده داده می شود.

سازمان خاد در مبارزه مسلحانه علیه مردم نقش فعالی داشت و در ادارات دولتی ۹۵۰۰ مخبر خاد شامل بود. تنها در فبروری ۱۹۸۱ آنها ۹۶۰۰ خانه را تلاشی کردند.

تنها در سال ۱۹۸۲، در دستگاه خاد ۳۵۰ جاسوس حرفوی وابسته به کی.جی.بی و ۲۵۰ جاسوس غیرحرفوی وجود داشت. در نیمه اول سال ۱۹۸۲ خاد در ۷۵۰ عملیات گسترده محلی برای سرکوب مجاهدین سهم گرفت*.

خاد در حدود بیست هزار جوان قبیله خُدران (پکتیا) را برای تفتین و آشفته سازی روابط بین قبایل و مجاهدین را مسلح ساخت و ۴۱ میلیون افغانی را هزینه آنها کرد. خاد با ۳۱۵ تن از سران و خان های هژده قبیله به تفاهم رسید و این قبایل از کمک های مادی خاد بهره می گرفتند که افزون بر آن به رهبران آنها رشوه نیز می پرداخت.

خیربخش مری، سه پسر خوش چهره و یک دختر داشت. نجیب دخترش را با هزینه خاد برای تحصیل به انگلستان فرستاد. پسران خیربخش مری هر یک موترهای آخرین مدل را با پول خاد زیر پا داشتند و هر دختری را که می خواستند به زور از شهر نو کابل با خود می بردند. روزی برادر یکی از این دختران هنگام دفاع از خواهرش به وسیله پسر خیربخش مری هدف تیراندازی قرار گرفت و جان سپرد؛ اما با پشتوانه نجیب هیچ مقامی یارای بازجویی از پسر خیربخش مری را نداشت.

نجیب برای همه خوشگذرانی ها و برنامه های غیرانسانی اش به پول هنگفتی نیاز داشت. وی سرفراز مومند را به عنوان قنسل در پشاور مقرر کرد. حاتم قیس که وکیل التجار و سرپرست بانک در پشاور بود، روایت می کرد: «روزها سرفراز مومند اسناد ساختگی می آورد و به بهانه بمب گذاری و تخریب کاری فلان جا چند ملیون، برای خرید و ترور فلان شخص چند صد هزار، برای خرید سران و خان های قبایل چند ملیون از بانک ما پول می کشید. من می دانستم که بخشی از این پول ها در جای دیگری انباشته می شود. زمانی که از قنسل پرسیدم، وی اعتراف کرد و گفت این پول ها به حساب شخصی نجیب برای روز مبادای وی انباشته می شود.»

بدین گونه نجیب از بودجه غیر قابل شمار خاد و نشر بانک نوت های بدون پشتوانه، مبلغ هشتاد میلیون دالر را به حساب شخصی خود انتقال داد و بخشی از این پول های دزدی و اختلاس خود را نزد «حاجی هزار بز» به سود گذاشته بود و بخشی از آن را با سراج جاجی در بنگاه بازرگانی "تجارتی" «افغان کارت» سرمایه گذاری کرد.

*با استفاده از آمار (کی جی بی در افغانستان)